

هرچه دکترای یزد بگن!

سمیرا سرجمی

گزارش

شنیدید می‌گویند: «هر چی دکترای یزدی بگن، دکترای سیرجونی که طبق معمول قطع امید کردن!» این جمله‌ی تبدیل به ضرب‌المثل شده‌ی طنزگونه از زمانی مد شد که سیرجانی‌ها راه یزد را در پیش گرفتند و در آنجا توربیست سلامت شدند. از عمل سزارین تا جراحی‌های خاصی که سیرجانی‌های از همه جا مانده و از همه جا رانده را مشتری پر و پا قرص پزشکان یزدی می‌کند. مردم ما به گفته‌ی خودشان از عملکرد کادر درمانی یزد همیشه راضی بوده‌اند.

این بماند در کنار آنهایی که به شیراز و تهران در سفرند. راستی چرا سیرجانی‌ها برای درمان بیماری‌شان یزد، تهران، شیراز و دست کم کرمان را ترجیح می‌دهند؟ به یکی از بیمارستان‌های شهر می‌روم. مادری بیرون اتاق عمل چشم به در ایستاده. فرزندش انحراف بینی عمل کرده و منتظر است که از اتاق عمل بیاید بیرون. با او در مورد سوژه‌ام حرف می‌زنم و اینکه برای چه اینجا هستیم.

حرف متفاوتی از بقیه می‌زند: «دلیم می‌خواست به دیوار بیمارستان‌ها، تابلوها و بنرها و نوشته‌های دیگه‌ای بود. برای ماهایی که منتظر سالم برگشتن جگر گوشه‌مون از اتاق عمل هستیم، حتا همین چیزهای کوچک می‌تواند آرامش بخش باشد. اما اینجا هر چیزی نوشته شده به غیر از حرف مثبت. همه‌اش موضوعات بی‌ربط با روانشناسی همراهان بیمار.

در حالی که در بیشتر شهرهای دیگه، با خوندن همین مثبت‌نوشته‌ها این آرامش و امیدواری رو پیدا می‌کنن. ما نه تنها این نعمت رو نداریم بلکه باید بداخلاقی و طلبکاری دکتر و پرستارها رو هم تحمل کنیم.»

آن طرف‌تر زن دیگری متوجه حرف‌های ما می‌شود و وارد گفت‌وگو. مریم از تجربه‌ی بارداری‌اش می‌گوید: «وقتی فهمیدم باردارم، با شوق زیاد و برای اینکه تحت مراقبت و نظر یک پزشک باشم، رفتم دکتر. خانم دکتر بدون اینکه سوالاتی رو از من در مورد

بارداری بپرسه؛ مثل چند سالمه و غیره، سریع و بدون توضیح اضافه گفت که داری سقط می‌کنی! ازش توضیح خواستم. گفت این آزمایش‌ها رو انجام بده، شنبه بیا. عصر پنجشنبه، نه آزمایشگاه و نه سونوگرافی هیچ کدام نوبت نمی‌دادند.

بعد ناچار شدم با دلهره‌ی اینکه صبح همان روز فهمیده بودم باردارم و عصرش هم گفتند باید سقط کنی، تا شنبه صبر کنم. برخورد بد و شوکه‌کننده‌ی پزشک، دلهره‌مو بیشتر کرده بود و این همه استرس رو حق خودم نمی‌دونستم.

با وجود درد زیادی که داشتم، به تجویز خانم دکتر یک هفته داروی ضد سقط مصرف کردم. به خاطر عفونت‌های زنانه عصر یک روز تعطیل از شدت درد بی‌هوش شدم. نه متخصص زنانی بود، نه رادیولوژی. مامای بخش زایمان بیمارستان گفت: نه شرایط سونو گرفتن داریم و نه گرفتن آزمایش. باید با همین شرایط تا فردا صبر کنی. همان شب راهی یزد شدیم و اونجا حتا اجازه‌ی سرپا و ایستادن بهم ندادن و با تشخیص بارداری خارج از رحم بستری شدم.»

بعد از شنیدن گلایه‌های این دو شهروند، تصمیم گرفتم به همین‌ها قناعت نکنم و نظر سنجی مجازی گذاشتم. در فضای مجازی نیز همه به اتفاق می‌گفتند که نمی‌توانند ریسک کنند و اینجا بمانند. عده‌ای این موضوع را تجربه کرده بودند و به خاطر تشخیص‌های دیر هنگام و کمبود خدمات دچار مشکلات زیادی شده بودند.

در این میان هم بودند کسانی که از عملکرد خدمات پزشکی سیرجان راضی بودند و به مشکلی برخوردند. اما تعداد این افراد کم بود.

یکی از پزشکان سیرجان با شنیدن این حرف‌ها و شکایات می‌گوید: «نظر من هم با صحبت‌های شما مطابق هست. ضمن اینکه ما پزشکان ماهر و کادر درمانی خوبی هم در سیرجان داریم ولی کلا کادر درمانی سیرجان در تکریم بیمار و همراهان بیمار کاستی‌های فراوانی دارد. ضمنا وجود بیمارستان خصوصی می‌تواند خیلی از مشکلات را حل کند.

چون هم تعرفه‌ها واقعی است و هم نظارت دقیق‌تر. در واقع وقتی بیمارستان خصوصی باشد از تعداد بیماران در بیمارستان دولتی کاسته می‌شود و بالطبع خدمات بهتر و دقیق‌تر ارائه خواهد شد.»

اما یک بانوی پزشک در سیرجان هم می‌گوید: «به نظرم مهمترین عامل، اینکه در یزد بیمارستان خصوصی هست و مراقبت زیر نظر پرستارهای خوب انجام می‌شود و تعداد پرستار نسبت به تعداد مریض بیشتر از بیمارستان‌های دولتی‌ست.»

او شرایط بیمارستان‌های دولتی یزد را نیز مشابه سیرجان دانست: «اگر دقت کنید از سیرجان کسی بیمارستان کارگر یزد یا بیمارستان فرخی که دولتی هستند، نمی‌رود.»

گرچه او کمبود امکانات را نیز پذیرفت: «دومین عامل شاید امکانات بیمارستانی باشه، از قبیل دستگاه‌های مجهزتر و حرفه‌ای‌تر و سومین عامل که در سیرجان خیلی مهم است این که شاید به نظر خیلی از سیرجانی‌ها زایمان در بیمارستان‌های یزد با وجهه‌ی بهتری دارد.»

راه چاره اینکه نیاز به کارگروه دارد. ۵۰ تا ۶۰ درصد سفرهای درمانی به یزد منطقی نیست و باید آگاهی‌رسانی بشود. چرا یک همشهری به خاطر یک بیماری ساده برود یزد. یک سری رفتن‌ها مثل درمان تیروئید بی‌مورد است اما کیفیت بهتر خدمات را در یزد بی‌تاثیر نیست.

نبود انواع گروه‌های پزشکی، کمبود برخی از تخصص‌ها، نبود فوق تخصص‌های مرتبط با انواع بیماری در سیرجان موجب کاهش اعتماد مردم به دستگاه درمانی-سلامتی شده است. شاید راه حل مشکل در استقلال دانشکده پزشکی سیرجان است تا کم‌کم تعداد دانشجویان رشته‌های پزشکی در شهرمان بیشتر شود و مشکل نبود متخصص برطرف گردد. اما مهمتر از آن ایجاد زیرساخت مناسب برای جذب پزشکان به سیرجان و ماندگاری آن‌هاست.